

## تحلیل و نقد رویکرد نو معتزلیان نسبت به تنازعات و اختلافات فرقه ای در فرهنگ اسلامی

با تاکید بر اندیشه های محمد ارکون، نصر حامد ابوزید، عبد العزیز الدوری و محمد عابد الجابری

سید محمد علی نوری<sup>۱</sup>      علی آقانوری<sup>۲</sup>

### چکیده

در جهان اسلام، وحدت میان شیعه و سنی نقش اساسی ایفا می کند و از اهمیت خاصی برخوردار است. اما بدون شناخت عوامل اختلاف میان شیعه و سنی نمی توان به وحدتی پایدار رسید. بنابراین باید به صورت علمی به شناخت ریشه های عقیدتی، تاریخی و سیاسی اختلافات میان شیعه و سنی پرداخت. مسئله اصلی این نوشتار، تحلیل و نقد عوامل اختلاف بین شیعه و سنی از نظر نو معتزلیان است. سؤال اصلی پژوهش حاضر اینست که تحلیل و نقد عوامل اختلاف بین شیعه و سنی از نظر نو معتزلیان چیست؟ با توجه به تحقیقاتی که نو معتزلیان از عوامل اختلاف بین شیعه و سنی انجام داده اند، هدف این پژوهش فهم و بررسی عوامل اختلاف بین شیعه و سنی از نظر این اندیشمندان می باشد که در نهایت به نقد عقاید آنان خواهیم پرداخت. روش انجام این پژوهش تحلیلی - توصیفی است. پژوهش حاضر درصدد نقد و تحلیل و نمایان ساختن عوامل و ریشه های اختلافات میان شیعه و سنی از دیدگاه نو معتزلیان است. دیدگاه نو معتزلیان مثل هر اندیشمند دیگری دارای نقاط قوت و ضعف است. بنابراین این دیدگاه آنان را مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد. در این پژوهش ابتدا به تقسیم بندی اختلافات میان شیعه و سنی پرداخته شده و در ادامه به بررسی دیدگاههای نو معتزلیان در مورد ریشه های اختلاف شیعه و سنی پرداخته و سپس به عوامل اختلاف میان شیعه و سنی می پردازیم و در ادامه به تجزیه و تحلیل عوامل مذکور خواهیم پرداخت.

### واژگان کلیدی

نو معتزلیان، عوامل اختلاف، شیعه، سنی.

۱. دانشجوی دکتری رشته شیعه شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

Email: man13462002@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

Email: aghanoori@religionsin.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۷

## طرح مسأله

به لحاظ تاریخی اختلاف میان امت اسلام از زمانی شروع شد که نزاع بر سر جانشینی پیامبر(ص) میان صحابه در گرفت. آنچنان نزاع بر سر امامت بالا گرفت و به معضلی بدل گردید که امت اسلام را به دو صف جدا گانه که در آن برهه موافقان ابوبکر و مخالفان ابوبکر نام گرفتند، تقسیم نمود. آنچه گروه مسلمانان را از یکدیگر متمایز نمود همان مسئله امامت و جانشینی پیامبر(ص) بود. شناخت ریشه های نزاع و عوامل اختلاف میان شیعه و سنی و زمینه های فکری محمد ارکون از مهم ترین ابعاد موضوع می باشد.

در راستای اختلاف اصلی یعنی امامت و اختلافات فرعی میان شیعه و سنی سئوالات

ذیل وجود دارد:

نو معتزلیان چه کسانی هستند؟ اختلاف بین شیعه و سنی به چه معنی است؟ چه اختلافاتی میان شیعه و سنی وجود دارد؟ از دیدگاه نو معتزلیان چه اختلافاتی میان شیعه و سنی وجود دارد؟ نقد و بررسی دیدگاههای نو معتزلیان در مورد اختلافات شیعه و سنی چگونه است؟

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به پرسش های فوق است و در همین راستا با ریشه یابی مسائل اختلافی میان دو گروه شیعه و سنی درصدد شفاف سازی در این زمینه خواهد بود.

در زمینه نو معتزلیان پیشینه مهم ترین آثار فارسی بدین قرار است: حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۰. حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. این دو کتاب حاصل کاوش های حمید عنایت درباره اندیشمندان معاصر عرب و برخورد آنان با امواج مدرنیته و ناسیونالیسم غرب می باشد. کتاب دوم یعنی اندیشه سیاسی در اسلام معاصر تحلیل و بررسی وی از مشی سیاسی اندیشمندان در دو قرن اخیر در جهان اسلام است. کتاب دیگر از محمد رضا وصفی، نو معتزلیان، نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷. این کتاب درصدد است تا اندیشمندان معاصر عرب را تحت یک عنوان واحد یعنی نو معتزلیان جمع کند. تفاوت میان سلیقه ها و گرایش های اندیشمندان مسلمان عرب و اختلاف در دیدگاههای آنان به مسائل سبب شده است تا نتوان آنان را تحت یک عنوان کلی گرد آورد. مقاله ای

توسط دو نفر از محققین چاپ شده است که به جریان شناسی نو معتزله می پردازد عنوان مقاله چنین است: جواد گلی و حسن یوسفیان، جریان شناسی نو معتزله، مجله معرفت کلامی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۱۳-۱۴۰.

در زمینه اختلاف میان شیعه و سنی آثاری به زبان فارسی وجود دارد که به بررسی اختلافات و منازعات میان شیعه و سنی پرداخته است. در مورد پیشینه این آثار می توان به برخی از آنها در ادامه اشاره کرد. اول، محمد رضا قلی زاده، منازعات فرقه ای و تحول مذهبی در ایران (از امام الحرمین جوینی تا خواجه نصیر الدین طوسی) قم، نشر حبیب، ۱۳۸۸. این اثر رساله دکتری نویسنده در سال ۱۳۸۵ بوده است. دوم، میلاد بابا پیری، پایان نامه با عنوان بررسی منازعات مذهبی و فرقه ای خراسان در دوران غزنویان دفاع شده ۱۳۹۱، دانشگاه شیراز.

مقالات متعددی نیز وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: (۱) منصوره کریمی قهی، منازعات در بغداد (۲۳۲-۶۵۶) (کریمی قهی، ۱۳۸۴)، (۲) علی محمدی، منازعات حنابله با شیعه امامیه در عصر سلجوقی (محمدی، ۱۳۹۱)، (۳) رسول عربخانی، تشیع ایرانی و تسنن عثمانی (پژوهشی درباره منازعات شیعی-سنی در عتبات عالیات قرن ۱۹) (عربخانی، ۱۳۹۴). این آثار و مقالات به بررسی عوامل اختلافات و ریشه های نزاع میان شیعه و سنی می پردازد.

در این میان، برخی از نو معتزلیان در این زمینه دست به ابتکارات جالبی زده اند که با تکیه به همین نو آوری ها سعی خواهد شد فضای عوامل بوجود آورنده اختلافات میان شیعه و سنی را روشن تر دسته بندی کنیم.

### ۱. نو معتزلیان

اصطلاح نو معتزلیان در دهه های اخیر در میان اندیشمندان و محافل علمی برای گروهی از اندیشمندان مسلمان که نگاه عقلانی به دین داشتند، رایج شد. اصطلاحی که اشاعره جدید در مصر برای بد نام کردن رقبای خود بکار بردند. (وصفی، ۱۳۸۷، ص ۶) با نقش فعالی که سید جمال الدین اسد آبادی در مبارزه با استبداد و استعمار از خود نشان داد، نهضتی در جهان اسلام در مواجهه با غرب آغاز گردید که به بیداری اسلامی ختم شد.

(عنایت، ۱۳۷۲، ص ۷۹)

همانطور که معتزله رویکردی عقلانی به دین داشتند، برخی اصطلاح نو معتزلیان را به همین منظور و در راستای استفاده از عقل در نگاه به دین برای آنان بکار بردند. نو معتزلیان نه تنها رویکردی عقلانی به دین داشتند بلکه در سایر عقاید خود با معتزله نیز مشابهت داشتند. عوامل شکل‌گیری خارجی و داخلی، عقل‌گرایی، مسائل و موضوعات کلامی همانند توحید و عدل، برخی از این شاخصه‌ها هستند. (گلی و یوسفیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳)

نهضت اصلاح طلبی اندیشمندان مسلمان در مواجهه با غرب و مدرنیته به اشکال مختلفی ظهور پیدا کرد که یکی از آنها تغییر نگاه در حوزه‌های مختلف علوم انسانی بود. دوباره نویسی تاریخ، ارائه مفاهیم سیاسی، اصلاح و تغییرات اجتماعی، تهاجم و آسیب‌های فرهنگی بخشی از موضوعاتی بود که مورد مناقشه و نزاع قرار گرفت. لزوم نگاه عقلانی به دین و آموزه‌های اسلام با سید جمال آغاز گردید و در شاگردان او عبده و رشید رضا و دیگران ادامه پیدا کرد.

با تنوعی که در میان نو معتزلیان وجود دارد ما در این پژوهش بر نو معتزلیان معاصر عرب متمرکز خواهیم شد. اگر بخواهیم اندیشمندان را در این زمینه دسته‌بندی کنیم و چهره‌نمایی از نو معتزلیان ارائه‌نمائیم می‌بایست دست به یک تقسیم‌بندی بزنیم. در یک تقسیم‌بندی از آثار و پژوهش‌های اسلامی اندیشمندان مسلمان که توسط رضوان السید اندیشمند لبنانی صورت گرفته است می‌توان پژوهش‌های این اندیشمندان را به چهار دوره یا نسل تقسیم کرد:

نسل اول اشخاصی مثل عبد الحمید العبادی،<sup>۱</sup> حسن ابراهیم حسن و حسن حسنی عبد الوهاب،<sup>۲</sup> اسد رستم<sup>۱</sup> هستند و وجهه پرداختن به امور سیاسی در پژوهش‌های آنان بیشتر

---

۱. عبد الحمید العبادی بن منصور العبادی، دانشمند تاریخ اسلامی، متولد اسکندریه و متوفای همان‌جا از اعضای مجتمع لغوی مصر متوفی (۱۳۷۵هـ.).

۲. حسن حسنی بن صالح بن عبد الوهاب بن یوسف الصمادحی التعجیبی (متولد ۲۷ رمضان ۱۳۰۱هـ در تونس تحصیلات مقدماتی خود را در تونس آغاز کرد و زبان فرانسه را فرا گرفت و مدتی به تدریس در

ظهور دارد. نسل دوم با کنستانتین زریق،<sup>۲</sup> نقولا زیاده<sup>۳</sup>، صالح احمد العلی،<sup>۴</sup> عبد العزیز الدوری،<sup>۵</sup> محمد المنونی<sup>۶</sup> همراه بود که نوشتارهای آنان بیشتر به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی گسترش پیدا کرد.

نسل سوم که العروی،<sup>۷</sup> احسان عباس،<sup>۱</sup> هشام جعیت،<sup>۲</sup> الجابری، علی اوملیل<sup>۳</sup> از

---

مدرسه ابتدایی صادقیه مشغول شد و سپس به پاریس رفت و در زمره دانش‌آموختگان علوم سیاسی قرار گرفت در سال ۱۹۰۴ به تونس بازگشت و متولی کارهای مهمی در تونس شد در سال ۱۹۶۸ درگذشت.

۱. اسدرستم، مورخ لبنانی در سال ۱۸۷۹ در خانواده‌ای مسیحی زاده شد تحصیلات مقدماتی را در لبنان گذراند سپس به دانشگاه آمریکایی بیروت رفت و در رشته تاریخ تحصیلات خود را کامل کرد و به تدریس مشغول شد در سال ۱۹۲۲ به آمریکا برای کامل کردن دوره‌های تخصصی رفت و دکتری گرفت. تألیفات و تحقیقات زیادی در تاریخ اسلام دارد.

۲. کنستانتین زریق، مورخ سوری و یکی از بارزترین شخصیت‌های ناسیونالیسم عربی که شیخ مورخین عرب نام گرفت و عناوین زیاد دیگری نیز کسب کرد. وی در ۱۸ آوریل ۱۹۰۹ در دمشق در خانواده‌ای مسیحی به دنیا آمد تحصیلات اولیه خود را در همان‌جا تا لیسانس به پایان برد و به آمریکا رفت و دکتری خود را در سال ۱۹۳۰ دریافت نمود. وی آثار زیادی در تاریخ و قومیت عربی دارد.

۳. نقولا زیاده در دوم دسامبر ۱۹۰۷ در روستای باب المصلی دمشق متولد شد تحصیلات مقدماتی خود را در همان‌جا آغاز کرد و در سال ۱۹۳۵ به لندن رفت و مدرک دکتری تاریخ اسلام را در همان‌جا گرفت کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشت.

۴. صالح احمد العلی، مورخی عراقی است که در موصل در سال ۱۹۱۸م دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خود را در عراق گذراند و سپس به آکسفورد رفت و مدرک دکتری خود را در رشته تاریخ اسلام در سال ۱۹۶۹م از همان‌جا گرفت. تحقیقات زیادی انجام داده است.

۵. عبدالعزیز الدوری، در بغداد در سال ۱۹۱۹ زاده شد و از دانشگاه لندن مدرک دکتری در تاریخ اسلام گرفت، کتاب‌ها و مقالات زیادی در تاریخ اسلام نوشته است.

۶. محمد المنونی، در مغرب و شهر مکناس در سال ۱۹۱۹ زاده شد. تحصیلات خود را دانشگاه قرویین فاس ادامه داد و مدرک آن‌جا را گرفت. و به تدریس مشغول شد. علاوه بر تدریس به تحقیق و تألیف روی آورد و تحقیقات زیادی از او به جای مانده است.

۷. عبدالله العروی، متفکر و نویسنده مغربی در سال ۱۹۳۳ در شهر صور زاده شد اندکی از تحصیلات خود را در مغرب و سپس به فرانسه رفت و مدرک دکتری خود را از سوربون در علوم سیاسی اخذ نمود. از عروی تألیفات زیادی بر جای مانده است.

مهم‌ترین اندیشمندان آن به حساب می‌آیند و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی شکل گرفت به فضاهای معرفتی بیشتر کشیده شد و مباحث فلسفی بیشتر اهمیت پیدا کرد و هم‌اکنون هم در نسل چهارم این پژوهش‌ها به سر می‌بریم. (السید، ۱۹۹۷، ص ۱۱)

از آنجا که بررسی آراء و عقاید تمام نو معتزلیان معاصر عرب که در بالا به آنان اشاره شده است کاری است بسیار دشوار و سخن به درازا خواهد کشید، بنابراین این از میان نو معتزلیان برخی را برگزیده ایم و عقاید آنان را در مورد عوامل اختلاف میان شیعه و سنی مورد بررسی قرار خواهیم داد. عبد‌العزیز الدوری، نصر حامد ابوزید، محمد عابد الجابری و محمد ارکون چهار متفکری هستند که از نظر محدوده زمانی نزدیک به هم قرار دارند و آراء و عقایدی در مورد تشیع ارائه کرده‌اند. بنابراین این در پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل عقاید آنان درباره عوامل اختلاف میان شیعه و سنی خواهیم پرداخت.

## ۲. تنوع اختلافات میان شیعه و سنی

اختلافات میان شیعه و سنی با نزاع بر سر جانشینی پیامبر (ص) آغاز شد اما به اختلافات عمده و عمیقی با ابعاد مختلف تبدیل گردید. نزاع بر سر جانشینی دارای ابعادی ریشه‌ای بود که تفاوت در دیدگاهها و نگرشها درباره قرآن، سنت، شخص پیامبر (ص) و بطور کلی اسلام را شامل می‌شد. جانشینی تنها نمود خارجی اختلافات صحابه پیامبر (ص) را در برهه‌ای از زمان نشان داد و چیزی که باعث می‌شد اصحاب اختلافات را کنار

---

۱. احسان عباس، ناقد و محقق و ادیب شاعر فلسطین در روستای عین غزال در حيفا در سال ۱۹۲۰ زاده شد. تحصیلات مقدماتی خود را در آنجا طی کرد و بعد به دانشگاه قاهره رفت و در همانجا دکتری گرفت. تحقیقات و تألیفات زیادی دارد.

۲. هشام جعيط، در ۶ دسامبر ۱۹۳۵ در تونس زاده شد وی مورخ متفکر و نویسنده بود تخصص او تاریخ اسلام و پس از تحصیلات مقدماتی به اروپا رفت و دکتری خود را از دانشگاه پاریس دریافت کرد. وی متصدی تدریس در چند دانشگاه مهم دنیا بود.

۳. علی اوملیل، در مغرب به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی خود را در همانجا ادامه و سپس به فرانسه رفت و از آنجا دکتری گرفت، ابن خلدون، فرهنگ، فرهنگ سیاسی مباحث مورد علاقه‌ای او بود. در سال ۱۹۶۵ اوملیل وارد تشکیلات حزبی و سیاسی گردید و در سال ۱۹۷۹ جمعیت حقوق انسان مغربی را تأسیس کرد. و بالاخره در سال ۲۰۰۱ اوملیل از طرف دولت مغرب سفیر مغرب در مصر شد. وی تألیفات زیادی در تاریخ، فرهنگ و مطالب سیاسی دارد.

گذاشته و بر حول محور پیامبر(ص) اجتماع و اتفاق داشته باشند، وجود شخص پیامبر(ص) میان آنان بود که فصل الخطاب امور بحساب می آمد.

هر چند تاریخ از صدر اسلام گزارش های مختلفی از برخورد ها را میان صحابه در خود دارد اما بشکل واضح می توان به آخرین روز های پیامبر(ص) در میان اصحاب اشاره کرد. بمحض اینکه برخی از اصحاب دانستند که پیامبر(ص) ناتوان شده است و دیگر رفتن او از دار دنیا نزدیک شده است، اختلافات خود را آشکار نمودند.<sup>۱</sup>

ابعاد اختلافات و نزاع میان صحابه با رحلت پیامبر(ص) گسترده تر گردید و ابعاد وسیع تری به خود گرفت. صحابه هر کدام اجتهادی از خود ارائه می دادند و حتی در برابر ابوبکر که عملاً سلطه و جانشینی پیامبر(ص) را بعهد گرفته بود، تمکین نمی کردند. یکی از گروه بندی های اساسی و مهم که بعد ها به لحاظ تاریخی شیعه و سنی نامیده شد، میان امام علی(ع) از یک سو (الدوری، ۲۰۰۷، ص ۸۳-۹۰ و الجابری، ۱۹۹۲، ص ۷۳) و از سوی دیگر ابوبکر و عمر بود.

ابعاد اختلافات میان دو گروه شیعه و سنی که حول محور جانشینی و امامت از هم متمایز شدند را می توان در یک تقسیم بندی به، اختلافات عقیدتی\_ کلامی، اختلافات اجتماعی\_ سیاسی و اختلافات فکری و فرهنگی تقسیم و بررسی کرد.

## ۱-۲. اختلافات عقیدتی\_ کلامی

منظور اختلافاتی است که جنبه عقیدتی داشته و بعد ها بشکل مسائل کلامی ظهور پیدا کرد و مسائل اساسی علم کلام را تشکیل داد. این اختلافات حول محورهایی چون توحید خداوند و صفات او، جبر و اختیار، کاربرد عقل در فهم دین و تفسیر قرآن و سنت و سایر مسائل کلامی دیگر اتفاق افتاد.

اما مهمترین مسئله کلامی بین دو گروه شیعه و سنی همان مسئله امامت و جانشینی

---

۱. برای اشاره به چنین اختلافاتی می توان تخلف اصحاب از جیش اسامه، نزاع اصحاب در آخرین روز حیات پیامبر(ص)، نزاع و درگیری های سقیفه که در اولین ساعات رحلت پیامبر(ص) بود را مثال زد. هر چند این اختلافات پیشتر از آن و در حیات پیامبر(ص) شکل گرفته و خود را به اشکال مختلفی نشان داده بود. نگاه کنید به: تقی الدین مقریزی، النزاع والتخاصم، تقی الدین مقریزی، امتاع الاسماع و عبد الله بن مسلم دینوری، الامامه و السیاسه.

باقی ماند. آنطور که منابع تاریخی و کلامی گزارش می دهد، امامت اولین مسئله ای بود که از نظر عقیدتی مسلمانان را به دو گروه تقسیم کرد و همینطور محور اختلافات تاکنون باقی مانده است. (الاشعری، ۲۰۰۶، ص ۹)

برخی از آثار شیعه و سنی بعنوان اعتقاد نامه نیز نوشته شده است که از اعتقادات تشیع بی پروا سخن می گوید. این اعتقاد نامه ها از قدیم الایام باب بوده و علماء دو گروه به نوشتن و تالیف آن عادت کرده اند.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. اختلافات اجتماعی-سیاسی

دسته دیگری از اختلافات اختلافاتی بود که به صحنه اجتماع کشیده شد و باعث جنگ ها و شورش هایی علیه نظام سلطه گردید. یکی از اولین اعتراضات علیه امامت و جانشینی تحصن امام علی(ع) و گروهی از یارانش در خانه حضرت زهرا(س) بود. هرچند این اعتراض سرکوب شد اما شعله های خشم خاموش نگردید و اعتراضات ادامه یافت. کم کم این اعتراضات جنبه اجتماعی و سیاسی به خود گرفت قیام هایی بوجود آورد قیام هایی مانند: قیام سید الشهداء(ع)، قیام های علویان، زیدیان و حتی عباسیان نیز از سنخ همین اعتراضات سیاسی بود.

به اعتراضات سیاسی جنبه های اعتراضی اجتماعی مثل شورش زنوج و قیام ها علیه ظلم و بیداد امویان و عباسیان که از همین سنخ هستند، اضافه می گردد.

## ۲-۳. اختلافات در مناسک و احکام فقهی:

در زمینه احکام فقهی و مناسک نیز اختلافات زیادی میان شیعه و سنی وجود دارد. اصولاً فقه اهل سنت از فقه اهل البیت(ع) جداست و آبشخور حدیثی و روایی آن از جایی دیگر است. ابوحنیفه نعمان بن ثابت(۸۰-۱۵۰ ق) علاوه بر کتاب و سنت به قیاس و رای قائل شد. (ضمیری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۴) مالک بن انس(۹۳-۱۷۹ ق) علاوه بر کتاب و سنت مجموع ادله دیگر را به ۱۶ دلیل می رساند که در میان آنها قیاس و استحسان قرار دارد. (ضمیری، ۱۳۸۴، ص ۲۸۰) و حتی از قیاس و رای بیش از حد استفاده می کرد.

۱. در این خصوص اعتقادنامه بسیار می توان مثال زد که از کتاب «الاعتقادات» شیخ صدوق می توان آغاز کرد و تا عصر حاضر به کتاب «عقائد الامامیه» شیخ محمد رضا مظفر رسید.

(ضمیری، ۱۳۸۴، ص ۳۰۷) محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰-۲۰۴ ق) با توجه به کتاب و سنت از قیاس و دیگر ادله استفاده نموده و راه بینابینی میان ابوحنیفه و مالک برگزیده است. (ضمیری، ۱۳۸۴، ص ۳۵۴) احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ ه ق) نیز قیاس را در صورت فقدان نص معتبر می دانست. (ضمیری، ۱۳۸۴، ص ۴۰۱)

اما در مکتب اهل بیت (ع) قیاس معتبر نیست و تنها در صورت فقدان نص با شرایط ویژه ای به حکم عقل رجوع می شود. شهید اول دلیل عقلی را دو قسم نموده، نخست دلیل عقلی که بر خطاب متوقف است که شامل لحن، محتوی خطاب، دلیل خطاب، مقدمه واجب، مساله ضد و اباحه در منافع و حرمت در مضار می شود و دوم دلیل عقلی که عقل به تنهایی به آن حکم می کند که شامل حسن و قبح، برائت اصلیه، مال لا دلیل علیه، اخذ به اقل و اکثر و استصحاب می باشد. (ضمیری، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷) شیعه و سنی در موارد مختلف مثل تفسیر آیه وضو، تکتف در نماز، سجود در نماز، خمس در ارباح مکاسب، ازدواج موقت و احکام روزه با هم اختلاف دارند که در کتابهایی در همین زمینه منعکس است. (سبحانی، ۱۴۱۷، ص ۱۰-۲۳)

#### ۲-۴. اختلافات در آداب و رسوم

اهل سنت با شیعه در آداب و رسوم و بسیاری دیگر از مسائل موافق نیستند و اختلاف دارند. توسل، تمسک به قبور و اضرحه، تقیه و... که این همه بیان از اختلافات مهم و اساسی میان آنان از لحاظ مبانی اعتقادی، تفسیری، روایی و ... می باشد.

#### ۲-۵. اختلافات فکری و فرهنگی

حرکت های دیگری برای مدلل کردن قیام ها ظهور یافت که می توان آنها را قیام گروه های روشنفکر علیه یکدیگر نامید. در حقیقت پس از اعتراضات عملی نوبت به تئوریزه کردن قیام ها و اعتراضات و تبیین اصول اصلی اختلافات رسید. علمای شیعه و سنی از هر دو گروه برای توجیه قیام ها و اعتراضات و علت اختلافات فی ما بین استدلال هایی آغاز نمودند. برخی حتی به اتهام علیه یکدیگر اقدام کردند و در کل اختلافات فکری و فرهنگی پابرجا تر از بقیه اختلافات در صحنه های نزاع باقی ماند.

تاکنون همین اختلافات بین اهل علم وجود دارد که از هر دو گروه شیعه و سنی با

استعانت از آیات قرآن و سنت و عقل به جنگ‌های فکری می‌پردازند. اختلافات فکری - فرهنگی که به علما مربوط می‌شد بصورت ردیه‌هایی علیه یکدیگر جلوه‌گر می‌گردید و این ردیه‌ها هنوز هم ادامه دارد. ردیه‌ها در راستای دفاع از مذهب تشیع و یا تسنن عرضه می‌گردید و با بهره‌گیری از قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) و برهان‌های عقلی به اقناع طرف مقابل می‌پرداخت.

ردیه‌ها در راستای دفاع از مذهب نوشته می‌شد تا گروه مقابل را متقاعد کند و این آثار بهترین نمونه برای علم کلام و دفاع از دین بشمار می‌رود. از قدیمترین آثار در این زمینه نزد شیعه می‌توان از آثار شیخ صدوق، شیخ مفید و سید مرتضی و همچنین شیخ طوسی نام برد.

این روند ادامه یافت<sup>۱</sup> و در میان متاخرین یکی از این آثار که به جهت موضوع امامت و شیوه تحقیق جایگاه ویژه‌ای نزد شیعیان پیدا کرده است، «الغدیر» علامه امینی است. برخی نیز در گروه مقابل راه انصاف بر می‌گرفتند و مورد قبول گروه دیگر واقع می‌گردید.<sup>۲</sup>

برخی از دو گروه شیعه و سنی نیز از عقاید گروه مقابل حکایتگری می‌کرد و دست به تالیف آثاری می‌زدند که عقاید گروه دیگر را شرح می‌داد که در موارد بسیار کم مورد پذیرش گروه دیگر قرار می‌گرفت و بیشتر یا مورد اعتنا قرار نمی‌گرفت و یا بصورت ردیه‌ای پاسخ داده می‌شد.

### ۳. دیدگاه‌های نو معتزلیان درباره علل اختلاف بین شیعه و سنی

#### ۳-۱. عوامل مهم اختلاف از نظر محمد ارکون

دیدگاه محمد ارکون درباره عوامل مهم اختلاف میان شیعه و سنی با توجه به آثار و ردیه‌های موجود در این زمینه بدست آمده است. محمد ارکون با توجه به قرائتی که نسبت به آثار دو نویسنده معاصر، محمد ابو زهره و سید حسین یوسف مکی‌العاملی ارائه نموده

---

۱. یک نمونه از مهم‌ترین ردیه‌ها دو کتاب «منهاج الکرامه» علامه حلی و «منهاج السنه» ابن تیمیه در برابر هم است که در مقابل هم نوشته شده است.

۲. می‌توان از این نظر کتاب «اضواء علی السنه المحمدیه» اثر محمد ابوریه را نام برد.

اند، تهیه شده است. ارکون پس از بررسی و تحلیل سه کتاب «الامام الصادق حیات و آرائه» و «اصول الفقه الجعفری» از محمد ابو زهره و «عقیده الشیعه فی الامام الصادق و سائر الائمه» که اثر «سید حسین یوسف مکی العاملی» است به استخراج عوامل اساسی اختلاف میان شیعه و سنی پرداخته است. در ادامه به تحلیل و بررسی سه کتاب یاد شده می پردازیم. با مطالعه آثار ارکون شاید بتوان بخوبی اختلافات شیعه و سنی را روشن تر و علمی تر و با دسته بندی مناسب تری بیان کرد. وی در کتاب «تاریخیه العقل العربی الاسلامی» تحقیقات خوبی در زمینه اختلافات اساسی میان شیعه و سنی ارائه داده است.

محمد ارکون در بررسی که در مورد اعاده وحدت و افزایش آگاهی های اسلامی مطرح می کند، اشاره ای هم به اختلافات فکری - تفسیری میان شیعه و سنی دارد. وی در بررسی که اختلافات شیعه و سنی می داند به شش جایگاه (عوامل اختلاف) اشاره می کند. ارکون در حقیقت به این باور می رسد که اساس اختلاف بین شیعه و سنی در نگرش این دو طایفه به برخی مسایل است. ارکون این مسایل را «جایگاه اختلافات»<sup>۱</sup> نام نهاده است و به ترتیب اهمیت در این جا به ذکر و شرح مختصری از بحث ارکون می پردازیم.

البته نباید فراموش کرد که بحث ارکون از میان اندیشمندان شیعه به سید حسین یوسف مکی عاملی از علمای شیعه جنوب لبنان در کتابی به نام «عقیده الشیعه فی الامام الصادق و سائر الائمه» که ردی بوده بر کتاب ابوزهره در کتاب «الامام الصادق» و کتاب دیگر او به نام «اصول الفقه الجعفری»، اختصاص دارد. ارکون در حقیقت با مقایسه این دو کتاب از این دو اندیشمند به عوامل مهم اختلاف میان شیعه و سنی پی می برد.

ارکون شش مرکز اختلاف از میان مقایسه خود نتیجه می گیرد:

جایگاه اول، عامل تاریخ: یکی از مسایلی که باعث اختلاف بین شیعه و سنی شده است برخی داده ها و رویدادهای تاریخی است. برخی حوادث مانند جمع مصاحف، جمع آوری مجموعه های حدیثی، عقیده پیامبر (ص) در مورد خلافت بعد از خودش، شخصیت تاریخی امام علی (ع) و اهل بیت (ع) و... مواردی هستند که باعث اختلاف و درگیری میان

۱. مواقع الاختلاف

شیعه و سنی شده‌اند.

جایگاه دوم، عامل لغوی: حل و فصل داده‌های تاریخی در حد بسیار زیادی به خواندن و فهم متون تاریخی نیاز دارد. منشأ بسیاری از اختلافات از همین قرائت‌هاست که به عامل لغوی باز می‌گردد. (ارکون، ۱۹۹۶، ص ۲۲-۲۶) برای فهم و تفسیر صحیح متون تاریخی باید ناگزیر به لغت برگشت مسایلی مانند جفر، مصحف فاطمه، حدیث ثقلین و... از مسایلی است که باعث اختلاف شده‌اند.

جایگاه سوم، عامل عقلانی: در مقایسه بین دو کتاب و شیوه استدلال دو اندیشمند (ابوزهره و سید حسین مکی عاملی) و درگیری‌های زیادی برای توافق بین عقل و شرع می‌یابیم که می‌توان آن را برون رفت از وضعیت بحران و یا استفاده از اجتهاد نامید. در این فقره درگیری و اختلاف در مورد نوع استفاده از عقل و محدودیت‌های عقلی است. جایگاه چهارم، عامل ارزش‌ها: ارزش‌ها در اختلافات و درگیری‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند مثلاً ارزش‌های علمی داده‌های تاریخی، ارزش‌های منطقی جدل‌های عقلانی، ارزش‌های اخلاقی و دینی که برای ائمه در نظر گرفته می‌شود و مفاهیمی همانند اسبقیت در اسلام، افضلیت یا تفوق علمی و اخلاقی و هم‌چنین الهام، عصمت و... ارزش‌هایی که در اختلافات نقش عمده‌ای باز می‌کنند.

جایگاه پنجم، عامل سیاست: ارزش‌ها موجب مشروعیت می‌شوند که شرط اول و ضروری سیاست هستند. مشروعیت سبب می‌شود که افراد پیرو و تابعین از نظام سلطه به دفاع برخیزند. طرفداران و پیروان پیامبر (ص) و ائمه (ع) با پیروی از ارزش‌هایی که دارند به دفاع از پیامبر (ص) و ائمه (ع) بر می‌خیزند و این از همان مشروعیت ناشی می‌شود که مافوق طبیعی است. یکی از اختلافات مهم شیعه و سنی در همین عامل سیاسی است.

جایگاه ششم، عامل افسانه‌ها: اگر افسانه‌ها در کتاب مورد بحث حالت و شکل خود را حفظ می‌کردند شاید مشکلی پیش نمی‌آمد اما واقعیت با افسانه و واقعیات تاریخی با شخصیت‌های افسانه‌ای خلط گردیده و این عدم تمییز در دو کتاب مشهود است. این عدم تفکیک بین خیال و واقعیت سبب خلق اسطوره‌های خرافی شده و باعث به وجود آمدن ارزش‌ها و مشروعیت‌های جدیدی گردیده است. (ارکون، ۱۹۹۸، ص ۱۴۳-۱۶۱)

### ۳-۲. دیدگاه نصر حامد ابوزید در مورد اختلاف میان شیعه و سنی

نصر حامد ابوزید بحث مفصلی از چگونگی تشکیل شیعه و سنی و به ویژه تفکر اعتزالی نموده است. یکی از ویژگی های مباحثی که ابوزید مطرح نموده آنست که می توان به ریشه ها و عوامل اختلاف میان شیعه و سنی در ضمن مباحث مطرح شده رسید و در مقایسه میان نو معتزلیان دیگر دیدگاه او را در این زمینه استخراج نمود.

ابوزید به اساسی ترین اختلافی که پس از رحلت رسول اکرم (ص) میان مسلمانان بروز کرد، اشاره دارد و آن را اختلاف بر سر جانشینی پیامبر (ص) دانسته و مسئله امامت را مورد بحث و بررسی قرار می دهد و با شرح و بسط آن به چگونگی تشکیل و شکل گیری فرقه های شیعه و سنی و تفکر اعتزالی می پردازد. (ابوزید، ۲۰۰۳، ص ۱۲)

ابوزید بطور ضمنی به مسئله ای دیگر در آثار خود اشاره دارد که کمتر در میان نو معتزلیان مورد دقت قرار گرفته است و آن اختلافاتی است که میان صحابه شکل گرفت و آن بخاطر سیاستهای غلط عثمان بود که در مورد بیت المال و مناصب حکومتی انجام داد. (ابوزید، ۲۰۰۳، ص ۱۳) سیاستهای عثمان موجی از بد بینی و انزجار را میان اقشار مردم<sup>۱</sup> و صحابه رسول اکرم ایجاد کرد که به برخورد آنان با عثمان انجامید. عثمان ثروت های بیت المال را میان امویان و اقوام خویش تقسیم نمود و مهمترین مناصب حکومتی را به آنان بخشید.

اختلاف دیگری که ابوزید به آن اشاره دارد و می توان از آن بعنوان سرچشمه یکی از اختلافات مهم نام برد اختلاف میان کسانی که بر علیه عثمان شورش کردند، می باشد زیرا شورشیان سه دسته شدند: دسته اول، اهل بصره بودند که خواستار جانشینی زبیر به جای عثمان شدند و دسته دوم، اهل کوفه بودند که طرفداران طلحه شدند. اما دسته سوم که از مصر آمده بودند، طرفدار علی (ع) بودند و می خواستند علی (ع) به جانشینی عثمان برسد. (همان)

ابوزید از دسته چهارمی نام برده که منتظر ماندند تا غائله ختم شود و سپس وارد کارزار سیاست شوند. اینان اهل شام بودند که به رهبری معاویه لشکری تشکیل دادند و

۱. «ثوار»

حتی از کمک به خلیفه مقتول خودداری نمودند. اما پس از کشته شدن عثمان، پیراهن عثمان را بر افراشته و به خون خواهی او قیام نمودند. (ابوزید، ۲۰۰۳، ص ۱۴)

نصر حامد ابوزید از نقش عبد الله بن سباء در به وجود آوردن شیعه می گوید. وی او را در میان شورشیان مصر جا داده و ادعا دارد که ابن سباء در میان شورشیان مصر دارای جایگاهی بوده است و مقبولیت داشت. (ابوزید، ۲۰۰۳، ص ۱۳)

ابوزید در مورد پیدایش شیعه نظر واحدی ارائه نکرده است و فقط به تشریح وقایع تاریخ اسلام و شکل گیری فرقه ها بر حسب حوادث و رخدادها پرداخته است.

نصر حامد ابوزید در واکاوی مسئله امامت به اختلافات میان صحابه پرداخته و تعارض های موجود را ناشی از عدم برنامه ریزی در مسئله امامت بعد از پیامبر (ص) دانسته و بیعت با ابوبکر را در نهایت امری تصادفی می داند. (ابوزید، ۲۰۰۵، ص ۱۵۹-۱۶۳)

به نظر نصر حامد ابوزید نوع نگاه شیعه و سنی به مقوله امامت متفاوت است. اهل سنت امامت و جانشینی پیامبر (ص) را امری دنیایی می دانند و همانطور که غزالی بیان کرده حاصل قهر و غلبه است اما شیعه می خواهد به امامت صبغه ای الهی و دینی دهد و آنرا از شئون آخرت معرفی نماید. به همین خاطر شیعه در پی اثبات امامت از راه نص اقدام کرده و آنرا در امتداد اراده الهی بررسی نموده است. (ابوزید، ۲۰۰۵، ص ۱۶۸)

### ۳-۳. عوامل اختلاف میان شیعه و سنی از دیدگاه عبد العزیز الدوری

دیدگاه عبد العزیز الدوری در مورد تشیع و عوامل اختلاف میان شیعه و سنی از نوع نگاه او به تاریخ اسلام ناشی می شود. ارتباط تحقیقات و پژوهش های وی سبب شده است که رویه ای واحد بر کل پژوهش های او حاکم باشد. ارتباط مستحکمی که در کل آثار او بر قرار است از روش او در تاریخ اسلام نشأت می گیرد.

الدوری حوادث تاریخی صدر اسلام را محصول دو جریان فکری - اجتماعی عمده می داند. جریان اول، جریان قبله گرا و جریان دوم، جریان اسلام گرا نام دارند. در جریان قبیله گرا عقیده بر این بود که در برابر تغییرات جدید باید مقاومت کرد و به همان عقاید و باور های قبیله ای پایبند ماند و هر گونه تغییر در وضع موجود را نفی کنیم.

اما در مقابل جریان اسلام گرا به وحدت سیاسی و دینی شبه جزیره عربستان عقیده داشت و به گسترش اسلام در جزیره العرب باور داشت و تلاش می کرد تا آموزه های

اسلام در کل حیات اجتماعی مردم استمرار یابد. (الدوری، ۲۰۰۷، ص ۴۸)

الدوری عقیده دارد که ابوبکر و عمر با جریان اسلام گرا مشی نمودند و سیاست های آنان درصدد پیاده کردن احکام و آموزه های اسلام بود اما عثمان به نحوی هم با جریان قبیله گرا همسو بود و هم به گونه ای دیگر با جریان اسلام گرا پیوند خورده بود. عثمان قبیله گرایی را از اسلاف خود قریش به ارث برده و اسلام گرایی را در مصاحبت با پیامبر (ص) بدست آورده بود. (الدوری، ۲۰۰۷، ص ۵۹)

عثمان با توزیع مناصب و امکانات بیت المال مسلمین بر امویان، نارضایتی را علیه خود به وجود آورد و مورد انتقاد برخی صحابه قرار گرفت. صحابه نمی توانستند ببینند که کسانی که جدید العهد به اسلام بودند در تصاحب امکانات بر آنان پیش قدم شده اند. مردم نیز از عملکرد عمال و کارگزاران عثمان ناراضی بودند و کوفه، بصره، مصر و دیگر بلاد اسلامی سر به شورش علیه خلیفه نهادند. (الدوری، ۲۰۰۷، ص ۶۰)

مهم تر آنکه شورش از داخل (قریش) شکل نگرفت بلکه از خارج یعنی قبایل دیگر غیر از قریش که ناراضی بودند آغاز شد. قبایل دیگر به آشکار می دیدند که چگونه قریش و به ویژه بنی امیه مناصب حکومتی و امکانات را بدست گرفته و قدرت را تصاحب نموده اند. (الدوری، ۲۰۰۷، ص ۶۱)

بگونه ای که الدوری معتقد است عثمان از جریان اسلام گرا کم کم فاصله گرفت و نماینده جریان قبیله گرا گردید و در ادامه جریان قبیله گرا از سوی امویان و در راس آنان معاویه پشتیبانی شد و امویان یکی بعد از دیگری دنباله رو این جریان بودند. (الدوری، ۲۰۰۷، ص ۶۳)

اما در مقابل امام علی (ع) نماینده جریان اسلام گرا بود. جریانی که از سوی برخی از صحابه و بسیاری از مردم پشتیبانی می گردید. بعد از قتل عثمان، این انصار و بنی هاشم بودند که قدرت را در مدینه در دست گرفتند و امام علی (ع) را تایید کردند. قبایل عادت کرده بودند که قدرت را در دست قریش ببینند و امام علی (ع) شخصیتی بود که هم از قریش بود و هم از نفوذ، فضل و علم و دانش بالایی در این زمینه برخوردار بود. (الدوری، ۲۰۰۷، ص ۶۵)

پشتیبانی انصار از امام نیز در راستای حمایت از اسلام از دست رفته بود. انصار می

خواستند جریان اسلام گرا به صحنه بیاید و دوباره ارزشها را احیا کند. عزل ولات عثمان اولین قدم امام در حمایت و استقرار اسلام بود. (الدوری، ۲۰۰۷، ص ۶۶)

عبد العزیز الدوری معتقد است امام علی (ع) در عزل ولات عثمان هیچگاه دچار خطا نگردیده چون با این شیوه وی درصدد پیاده کردن احکام اسلام بود. (الدوری، ۲۰۰۷، ص ۶۶)

الدوری معتقد است که مرگ عثمان باعث شد مسلمانان به دو دسته تقسیم شوند دسته اول عثمانیه که طرفداران عثمان بودند و دسته دوم، شیعه علی (ع). و سپس شهادت امام علی (ع) شیعه علی (ع) را منسجم تر و آگاه تر نمود بطوری که حزب علوی یا شیعه شکل گرفت. (الدوری، ۲۰۰۷، ص ۶۹)

#### ۳-۴. دیدگاه محمد عابد الجابری درباره عوامل اختلاف میان شیعه و سنی

محمد عابد الجابری نیز در مورد تشیع دست به مطالعاتی زده که در خور توجه است. وی که از اندیشمندان پرکار معاصر عرب است در آثار خود به مقوله تشیع بصورت پراکنده پرداخته است. نگاه جابری نسبت به تشیع بصورت غیر مستقیم و حاشیه ای بوده است. وی در کتاب «نقد العقل العربی» که در چهار جلد به چاپ رسیده است، در سه جلد «تکوین العقل العربی»، «بنیه العقل العربی»، «العقل السیاسی العربی» و همچنین کتاب مستقلی که در مورد قرآن کریم به نام «المدخل الی دراسه القرآن الکریم» دارد، به بحث و بررسی در مورد تشیع می پردازد.

جابری معتقد است در میان صحابه پیامبر (ص) گروهی بودند که به امام علی (ع) گرایش داشتند جابری نام آنان را گروه عقیده می گذارد. دنیا و زن و فرزند آنان را از عبادت باز نداشت. این گروه در راس مومنان جای داشتند. کسانی مانند سلمان، ابوذر، مقداد و ... این جماعت که روحيات علی (ع) را می پسندیدند بعد از رحلت حضرت رسول (ص) نیز از امام علی (ع) جدا نشدند و هسته اولیه شیعه را پایه گذاری کردند. (الجابری، ۱۹۹۲، ص ۲۲۴)

جابری در مورد خلافت و جانشینی پیامبر (ص) عقیده دارد که رحلت پیامبر (ص) یک دفعه و ناگهانی بود (الجابری، ۱۹۹۲، ص ۱۲۹) و به همین دلیل اصحاب یکی (ابوبکر) از خودشان را که از همه نیز فاضل تر و شایسته تر بود را جانشین پیامبر (ص) نمودند.

جابری بطور مفصل فقرات گفتگوهای سقیفه را بررسی نموده است و از آن گفتگوها نتیجه می گیرد منطق قبیله بر سقیفه حاکم بود و انتخاب ابوبکر نتیجه منطق قبیله بود. (الجابری، ۱۹۹۲، ص ۱۳۵-۱۳۷)

جابری در مورد اصل تشیع نگاهی آسیب شناسانه دارد و تشیع را محصول یکی از آسیب های تمدن اسلامی می داند. (الجابری، ۱۹۹۴، ص ۲۰۲)

جابری در تمدن اسلامی سه رویکرد کلی در مورد علم معرفی می کند که این سه رویکرد را عقل نامگذاری نموده است. رویکرد های سه گانه جابری، سه نظام معرفتی که می توان آنرا سه عقل متفاوت نامید، خلق می کند. این عقول به ترتیب عقل بیانی، عقل عرفانی و عقل برهانی نام دارند. عقل بیانی مبتنی بر لفظ و لغت و بیان و معانی حقیقی کلمات است و عقل عرفانی مبتنی بر باطنی گری و هرمسی گری و عقل برهانی بر اساس منطق و برهان و نگاهی فلسفی استوار است.

عقل بیانی همان میراث عربی- اسلامی خالص (زبان و دین) است، و عقل عرفانی ناخود آگاه (هرمسی- یونانی)، و عقل برهانی (منطق ارسطویی) در تمام علوم است.

جابری تشیع را در چارچوب عقل عرفانی بررسی و تحلیل نموده است. از نظر وی شیعه زاده عقل عرفانی و ورود فلسفه یونانی به اسلام است. وی عقیده دارد فلسفه یونانی در انتقال خود به عالم اسلام به مدارس حران، نصیبین و اسکندریه وارد شد و با باطنی گری توأم گردید و صبغه ای اشراقی پیدا کرد. در ترجمه علوم، و به ویژه فلسفه به عالم اسلام، فلسفه بصورت رسمی ترجمه شد اما باطنی گری بصورت ناخود آگاه به عالم اسلام راه پیدا کرد و حاصل آن تشیع با اقسام آن (امامیه، اسماعیلیه، زیدیه) و تصوف بود. بنا بر این تشیع صبغه ای عرفانی دارد و در چارچوب عقل عرفانی جابری بررسی می گردد. (الجابری، ۱۹۹۴، ص ۱۸۶-۱۹۴)

با مطالعاتی که جابری در تاریخ اسلام انجام داده وی عقیده دارد که تشیع در میان اعراب یمنی در جنوب عربستان بوجود آمد. با توجه به اینکه اعراب یمنی قبل از اسلام دارای مجد و شکوه بودند و با ورود اسلام به جزیره العرب شکوه خود را از دست دادند، بنابراین آنان در صدد بازگشت این مجد و شکوه و برای از بین بردن اسلام، تشیع را بوجود آوردند تا در آینده بدعت و انحرافی در دین بوجود آورده باشند. (الجابری، ۱۹۹۲، ص

(۲۱۰-۲۱۶)

وجود یهودیان این منطقه نیز مزید بر علت بود، یهودیان که دشمنان قسم خورده اسلام بودند درصدد نابودی اسلام بر آمدند. یکی از یهودیان تازه مسلمان به نام عبد الله بن سبا از راه تبلیغ و گسترش تشیع برای نابودی اسلام تلاش‌های فراوانی کرد. (الجابری، ۱۹۹۲، ص ۲۰۷)

#### ۴. نقد و بررسی دیدگاه نو معتزلیان در مورد

##### عوامل اختلاف میان شیعه و سنی

##### ۴-۱. نقد دیدگاه محمد ارکون

عوامل اختلاف میان شیعه و سنی از دیدگاه محمد ارکون حاوی نکات ارزشمندی است که فضای اختلاف میان شیعه و سنی را شفاف و روشن می‌کند اما با تمام ویژگی‌های مثبتی که از عوامل یاد شده می‌توان بر شمرد می‌توان به کاستی‌هایی اشاره کرد که در ادامه به نقد عوامل اختلاف میان شیعه و سنی از دیدگاه محمد ارکون می‌پردازیم:

۱. عوامل اختلاف شبیه به هم اند مثلاً عامل تاریخی و عامل لغوی تا حد زیادی با هم یک کلیت واحد را تشکیل می‌دهند و یا عامل ارزش‌ها و عامل عقلانی از نظر مصداق با هم یکسان می‌باشند. و یا حتی عامل ارزش‌ها و عامل سیاست رابطه تنگاتنگی با هم دارند. بنابراین عواملی چنین مشابه نمی‌تواند مبنای یک قاعده علمی قرار گیرد و هر چه دقیق‌تر به موضوع نگاه کنیم خواهیم دید مثال و مصداق همه عوامل یکی است و همگی به نوعی بازگشت به عوامل تاریخی دارد. (ارکون، ۱۹۹۸، ص ۱۵۷)

۲. ارکون نظریه خود را بر پایه قرائت از دو کتاب (محمد ابو زهره و سید حسین مکی عاملی) نهاده است و این در حالی است که بسیاری از کتابها و ردیه‌ها هنوز دست نخورده باقی مانده اند بنابر این یک استقراء ناقص صورت گرفته است و از دو کتاب هیچگاه نمی‌توان قواعد کلی برای عوامل اختلاف میان شیعه و سنی استخراج نمود. اگر بخواهیم استقراء تامی داشته باشیم می‌بایست آثار و ردیه‌هایی را که در یک محدوده زمانی خاص (مثلاً یک قرن) وجود دارد، را بررسی کرده و سپس عوامل استخراج شده را در همان محدوده در نظر گرفت. (ارکون، ۱۹۹۸، ص ۱۵۲)

۳. عوامل با هم خلط عجیبی پیدا کرده اند و حدود و قلمرو هر یک مشخص نیست

و حتی هر یک در حوزه نفوذ دیگری نقش خود را ایفا می کند. عامل سیاست در عامل ارزش ها نقش ایفا می کند و عامل ارزش ها به نوعی خود در عامل افسانه ها به ایفای نقش می پردازد. دو عامل لغوی و تاریخی اگر نگوییم یکی هستند بسیار شبیه به هم و در راستای هم اند. بنابراین تفکیک میان حوزه ها و قلمرو ها یکی از ضروریات بحث حاضر خواهد بود که هنوز دست نخورده باقی مانده است. (ارکون، ۱۹۹۸، ص ۱۵۸ و ۱۵۷)

۴. بررسی ارکون از دو کتاب محمد ابوزهره و سید حسین مکی عاملی باعث شده است، دیدگاه نویسنده محدود باشد. همین عوامل در کتابها و ردیه های دیگر به نحو واضح تری نشان داده شده است و می توان یکی از نقص های وارد بر عوامل یاد شده را محدود بودن این دیدگاه دانست. این بدان معنی است که ارکون از یک ردیه مشخص و محدود این عوامل را استخراج نموده است. ارکون با مطالعه کتاب «الامام الصادق» محمد ابوزهره و ردیه ای که سید حسین یوسف مکی عاملی بر آن نوشته است این عوامل را از هم باز شناخت. این در حالی است که ردیه های فراوانی برای تحقیق در این زمینه وجود دارد<sup>۱</sup> که ارکون به آنها مراجعه نکرده است. و جا داشت بصورت مفصل به این ردیه ها می پرداخت و عوامل اختلاف میان شیعه و سنی را جستجو می کرد. (ارکون، ۱۹۹۸، ص ۱۵۲ و ۱۵۳)

۵. نویسنده به اسلام و آموزه های وحدت بخش آن و به نقش سفارش های اسلام در تقریب بین دو گروه شیعه و سنی توجه نکرده است. درست است عوامل اختلاف اینهاست اما عواملی وجود دارد که در جهت تقریب بین شیعه و سنی نیز ایفای نقش می کند که از مهمترین آنها آموزه های اسلام است.

۶. تداخل عوامل مسئله دیگری است که نباید مورد غفلت واقع شود. برخی از عوامل باهم نقش ایفا می کنند (ارکون، ۱۹۹۸، ص ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹) و یا حتی در برهه ای از تاریخ اسلام برخی از عوامل به تنهایی نقش قابل توجهی ندارند بلکه عوامل یاد شده بصورت ترکیبی و پیچیده نقش ایفا می کنند. مسئله ای که ارکون اصلاً به آن توجه نکرده و یا آنرا

۱. مثلاً برای نمونه می توان در همین قرن به ردیه هایی که بر کتابهای احمد امین نویسنده مصری نوشته شد، اشاره کرد.

کم اهمیت تلقی کرده است. در برهه‌هایی از تاریخ اسلام تمام عوامل با هم درگیر در نزاع بوده و به شکل اختلاف ظهور و بروز پیدا می‌کنند. اما جا دارد این عوامل دوباره بازشناخته شود و مورد تحقیق و بررسی جدی قرار گیرد. وجود تفکیک میان عوامل یاد شده به ما این امکان را می‌دهد که بتوانیم دست به بررسی و بازشناسی دوباره بنزیم و عوامل اختلاف را مورد مذاقه و واکاوی دوباره قرار دهیم.

## ۲-۴. نقد دیدگاه نصر حامد ابوزید

با توجه به اینکه نصر حامد ابوزید در صدد نبوده است عوامل اختلاف میان شیعه و سنی را برشمارد اما با توجه به پرداختن به تاریخ اسلام و تشریح وضعیت مسلمانان و اختلافاتی در آن دوره وجود داشت، به طرح مباحث پرداخته است. در ادامه به نقد و بررسی دیدگاه نصر حامد ابوزید می‌پردازیم:

۱- مسئله امامت علت اصلی اختلافات میان شیعه و سنی بوده و محور مباحث کلامی در دوره‌های بعد می‌باشد. اما ابوزید باید به مسائل کلی تری اشاره می‌کرد که باعث اختلاف میان شیعه و سنی شده است. در مقایسه میان آراء نصر حامد ابوزید و محمد ارکون می‌توان گفت که ارکون علمی تر به مباحث نگریسته است. هر چند ابوزید در مورد مقوله امامت و خلافت تحقیقات جالب توجهی دارد. (ابوزید، ۲۰۰۵، ص ۱۵۹-۱۶۳)

۲- سیاست‌های غلط عثمان در همان دوره کارکرد داشت و در دوره‌های بعدی کارکرد خود را از دست داد. بنابر این نمی‌توان سیاست‌های عثمان را عامل میان اختلاف بین شیعه و سنی قلمداد کرد و نهایت چیزی که این سیاست‌ها می‌تواند ثابت کند آنست که از جهت اقلیمی اختلافاتی میان مسلمانان بوجود آورده است.

۳- نقش عبد الله بن سبأ در مورد بوجود آمدن شیعه یک مسئله انحرافی است که اهل سنت از آن برای اتهام به شیعه دامن زده‌اند. عبد الله بن سبأ شخصیتی موهوم و افسانه‌ای است و نقش او در بوجود آوردن شیعه افسانه‌ای تر است این مسئله حتی مورد اذعان برخی نویسندگان اهل سنت نیز بوده است. (ابو زهره، ۱۳۸۴، ص ۶۶)

۴- رحلت پیامبر (ص) یک امر اتفاقی و ناگهانی نبود. پیامبر (ص) در موارد مختلف در جاهای مختلف رحلت خود را متذکر شده بود که در تاریخ منعکس است. (الطبری، ۲۰۰۵، ص ۵۰۲) بیعت با ابوبکر هم اتفاقی نبود بلکه برنامه ریزی شده بود که

برخی از این برنامه ها و مقدمه چینی ها ظاهر بود و برخی دیگر بصورت پنهانی صورت گرفت. (عسکری، ۱۳۸۵، ص ۲۰)<sup>۱</sup> این امر نشان می دهد که نصر حامد ابوزید دارای اطلاعات کافی در این زمینه نبوده و از تخصص کافی در این زمینه بی بهره بوده است.

۵- اینکه دو نگاه متفاوت به مسئله امامت از علل اختلاف بین شیعه و سنی است، قابل قبول است اما ابوزید باید در ادامه دست به داوری و قضاوت در مورد پذیرفتن یکی از دو نظر شیعه یا سنی می زد و مسئله را مهمل باقی نمی گذاشت. آنچه حائز اهمیت است اینست که با توجه به آیات قرآن کریم و روایات پیامبر(ص) امامت مورد نظر شیعه مورد تایید است.<sup>۲</sup>

### ۳-۴. نقد دیدگاه عبدالعزیز الدوری

۱- دو جریان قبیله گرا و اسلام گرا در آثار عبد العزیز الدوری بصورت شفاف و علمی تبیین نشده است. مرز بندی ها میان دو جریان یاد شده در آثار وی مشخص نیست و حدود و ثغور قبیله گرایی و اسلام گرایی قبل از اسلام و بعد از اسلام مبهم می باشد. بطوری که ابوبکر و عمر نمایندگان اسلام گرایی و عثمان تا دوره ای نماینده اسلام گرایی و از دوره ای به بعد نماینده قبیله گرایی معرفی شده است. از ابتدا امام علی (ع) نیز نماینده اسلام گرایی معرفی شده است. الدوری، در مورد اینکه امام علی (ع) نماینده اسلام گرایی است، در آثار خود توضیحات کافی ارائه نموده است اما این سؤال پیش می آید که معیار و ملاک اسلام گرایی و قبیله گرایی نزد الدوری چیست؟ الدوری می بایست اصولی تر به معرفی این دو جریان می پرداخت. الدوری بر چه اساسی ابوبکر و عمر را نماینده اسلام گرایی می داند؟

در صدر اسلام، قبیله کارکرد خود را قبل از اسلام و بعد از اسلام همچنان حفظ کرده

---

۱. شواهد تاریخی در دست است که برخی از صحابه رسول اکرم(ص) برای خلافت برنامه ریزی گسترده ای انجام داده بودند اما تاریخ آنها را به فراموشی سپرده است.

۲. مثلاً در این زمینه می توان به آیه ۱۲۴ سوره بقره اشاره کرد که در آن امامت را عهد خداوند معرفی نموده است و این موید قول شیعه در مورد لزوم نص برای امام می باشد. در مورد دلایل امامت از نظر روایات می توان به کتابهای مفصل تر مثل میر حامد حسین، عقبات الانوار فی امامه ائمه الاطهار و عبد الحسین امینی، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب مراجعه نمود.

بود. اصولاً بافت جزیره العرب قبیله ای بوده و هر چه اتفاق می افتاده در همین بافت اجتماعی بود. ممکن است در برخی از برهه های تاریخ اسلام کارکرد قبیله کمتر شود ولی هیچگاه کارکرد قبیله از بین نمی رود. اگر مقایسه ای میان گفته های ارکون و الدوروی صورت گیرد می توان سخنان ارکون را علمی تر و کامل تر دانست.

۲- شورش علیه سیاست های غلط عثمان در آن دوره انعکاس شدیدی نزد صحابه و مردم داشت و مردم را به دسته های مختلف تقسیم کرد. اما در دوره های بعد کارکرد آن کمتر شد و در تاریخ اسلام کارکردی از آن مشاهده نمی شود. این ویژگی در مورد اختلاف میان شیعه و سنی بیشتر به چشم می آید.

۳- مرگ عثمان مردم را به عثمانیه و شیعه علی (ع) تقسیم کرد و در دوره های بعد خلافت امام علی (ع) خطوط کلی تشیع را پررنگ تر ترسیم نمود، این سخن درستی است اما باید در نظر گرفت که این خود معلول عواملی است که عنوان کلی تری دارند و از نظر علمی باید به آنها بعنوان یک قانون کلی الدوروی توجه می کرد. عامل تاریخی که ارکون از آن سخن می گوید، همین است یعنی یکی از عوامل اختلاف میان شیعه و سنی عامل تاریخی است که مرگ عثمان تحت عنوان عامل تاریخی در مسئله اختلافات شیعه و سنی بررسی می شود.

#### ۴-۴. نقد دیدگاه محمد عابد الجابری

۱- اضطراب شدیدی در سخنان جابری در مورد پیدایش تشیع مشاهده می شود. معلوم نیست که پیدایش تشیع از چه زمانی و بر اثر کدام عوامل آغاز شده است. جابری گروه اولیه ای را در حیات پیامبر (ص) معرفی می کند که همراه امام علی (ع) بوده اند. اما سپس پیدایش شیعه را به عقل عرفانی ربط می دهد. بعد از آن، پیدایش شیعه را به اعراب یمنی نسبت داده است. و در آخر پیدایش شیعه را به یهود و شخص عبد الله بن سباء ربط داده است. خواننده آثار جابری از خود می پرسد که کدام یک از این حوادث شیعه را بوجود آورده است؟ این اقوال متناقض حاکی از عدم تخصص اوست.

۲- نگاه به تشیع بصورت آسیب شناسانه نوعی پیش داوری نسبت به تشیع است زیرا که قرار دادن تشیع در جایگاهی منفی است. اگر محققى بخواهد تشیع را مطالعه کند نباید از پیش دست به دسته بندی زده و پیشداوری کند. دسته بندی مقوله ها بعد از تحقیق و

بررسی دقیق و علمی صورت می گیرد.

۳- سخنان جابری در مورد ابن سبأ اولاً نوعی اتهام و ثانیاً متناقض است. خود جابری در آثارش ابن سبأ را شخصیتی موهوم و افسانه ای می داند. (الجابری، ۱۹۹۲، ص ۲۰۷-۲۲۱) این شخصیت با نقشی که برای آن تصور می شود بگونه ای اسطوره سازی است. یکی از اتهاماتی که به شیعه وارد شده است ارتباط شیعه با یهود است. برخی خواسته اند بین شیعه با یهود ارتباط برقرار سازند و چنین وانمود کنند که این عقیده از یهود به شیعه وارد شده است و یا اصولاً شیعه از اساس یهود بوده اند. برای برقراری این ارتباط نیاز به شخصیتی بودند که ایندو را بهم وصل سازند و بدین منظور شخصیتی موهوم به نام ابن سبأ را تراشیدند. (ابو زهره، ۱۳۸۴، ص ۶۶)<sup>۱</sup>

۴- ربط یهود با تشیع نوعی مغالطه و اتهام زنی به شیعه است. مطالعه شیعه باید بر اساس موازین علمی و دقیق صورت گیرد. اگر ثابت شود در منطقه شبه جزیره عربستان یهود بوده باشد و پیدایش تشیع در همان منطقه اثبات شود، باید بتوان این دو مقوله را به هم ربط داد و این اول کلام است که این فرضیه را باید اثبات کرد. در غیر این صورت نمی توان ربط تشیع را با یهود اثبات شده دانست و بر اساس آن حکم کرد. (الجابری، ۱۹۹۲، ص ۲۰۷-۲۲۱)<sup>۲</sup>

---

۱. محمد ابوزهره در کتاب خود تاریخ مذاهب اسلامی با واکاوی ریشه اتهامات به تشیع چنین نتیجه می گیرد که اساس این اتهامات در نوشته های دو تن شعبی و ابن حزم اندلسی است و با نقل برخی نوشته های ابن حزم در الفصل آنرا ساخته کینه دشمنان شیعه می داند.

۲. یاد آور می شود که این ادعا را تنها جابری براساس فرضیه محقق معاصر کمال الصلیبی در آثار خود آورده است. کمال الصلیبی که معتقد است اصل یهود از شبه جزیره عربستان بوده در کتاب خود به اثبات این فرضیه می پردازد. اولاً خود این محقق فقط وجود یهود را تنها مورد تاکید قرار داده است و به تشیع اصلاً نپرداخته و ثانیاً کمال الصلیبی در صدد ربط بین یهود و تشیع نیست و این ربط را جابری اول بار در کتاب خود العقل السياسي العربي آورده است. نگاه کنید به: کمال الصلیبی، التوراه جائت من الجزیره العربیه، بیروت، ۱۹۸۵.

## نتیجه گیری

محمد ارکون شش عامل اختلاف میان شیعه و سنی استخراج نموده است که در حقیقت آنرا می توان قرائت وی از دو کتاب ابو زهره و ردیه سید حسین یوسف مکی عاملی دانست. با بررسی و نقد عوامل اختلاف میان شیعه و سنی از دیدگاه ارکون می توان اولاً، عوامل اختلاف میان شیعه و سنی را شناسایی کرد. ثانیاً، به نقاط قوت و ضعف نویسنده در شناخت عوامل اختلاف پی برد. نقد هایی هم بر دیدگاه نویسنده وارد است.

نصر حامد ابوزید، عبد الزیز الدوری و محمد عابد الجابری نیز در برخی آثار خود به تشیع پرداخته اند که می توان از خلال بحث هایی که در مورد تشیع انجام داده اند، موارد اختلاف میان شیعه و سنی را شناسایی و سپس و به نقد دیدگاه نویسندگان پرداخته ایم. در مقایسه میان نو معتزلیان (محمد ارکون، نصر حامد ابوزید، عبد العزیز الدوری و محمد عابد الجابری) بررسی گردید و دیدگاه محمد ارکون از نظر علمی در شناخت عوامل اختلاف میان شیعه و سنی مطلوب تر تشخیص داده شد.

### فهرست منابع

۱. ابو الحسن علي بن اسماعيل الاشعري، مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، دار صادر، بيروت، ۲۰۰۶.
۲. جعفر سبحانی، الاعتصام بالكتاب و السنه دراسه مبسطه في مسائل فقهيه مهمه، ناشر رابطه الثقافه و العلاقات الاسلاميه، قم ۱۴۱۷.
۳. حميد عنایت، اندیشه سياسي در اسلام معاصر، انتشارات خوارزمي، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۴. رضوان السيد، الجماعه و المجتمع و الدوله، دار الكتاب العربي، بيروت، ۱۴۱۸ - ۱۹۹۷.
۵. سيد حسين يوسف المكي العاملي، عقيدتنا في الامام الصادق (ع) و سائر الائمة، دارالاندلس، بيروت، چاپ اول، ۱۹۶۳ م.
۶. سيد مرتضی عسکري، سقيفه، به کوشش مهدي دشتي، انتشارات مرکز فرهنگي انتشاراتي منير، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۵.
۷. عبدالعزيز اللدوري، مقدمه في تاريخ صدر الاسلام، مرکز دراسات الوحدة العربية، بيروت، چاپ دوم، ۲۰۰۷.
۸. محمد ابو زهره، الامام الصادق، مطبعه احمد علي مخيمر، قاهره.
۹. محمد ابو زهره، اصول الفقه الجعفري، دار الفكر العربي، بيروت، چاپ اول، ۲۰۱۱ م.
۱۰. محمد ارکون، الفكر الاسلامي قرائه علميه، المركز الثقافي العربي، بيروت، چاپ دوم، ۱۹۹۶.
۱۱. محمد ارکون، القرآن من التفسير الموروث الي تحليل الخطاب الديني، دار الطليعه، بيروت، چاپ دوم، ۲۰۰۵.
۱۲. محمد ارکون، تحرير الوعي الاسلامي، دار الطليعه، بيروت، چاپ اول، ۲۰۱۱.
۱۳. محمد ارکون، قضايا في نقد العقل الديني، دار الطليعه، بيروت، چاپ چهارم، ۲۰۰۹.
۱۴. محمد ارکون، نحو نقد العقل الاسلامي، دار الطليعه، بيروت، چاپ اول، ۲۰۰۹.
۱۵. محمد ارکون، نزعه الانسنه في الفكر العربي، دار الساقی، بيروت، چاپ دوم، ۲۰۰۶ م.
۱۶. محمد بن جرير الطبري، تاريخ الامم والملوك، دار صادر، بيروت، چاپ دوم ۲۰۰۵.
۱۷. محمد رضا وصفی، نو معتزلیان، نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۸. محمد عابد الجابري، العقل السياسي العربي، مرکز دراسات الوحدة العربية، بيروت، چاپ دوم، ۱۹۹۲.

۱۹. محمد عابد الجابري، تکوین العقل العربي، مرکز دراسات الوحده العربيه، بيروت، چاپ ششم، ۱۹۹۴.
۲۰. محمدر کون، تاريخية الفكر العربي الاسلامي، المركز الثقافي العربي، بيروت، چاپ سوم، ۱۹۹۸.
۲۱. محمدرضا ضميری، جستاری در اندیشه فقهی مذاهب، نشر گلستان معرفت، قم، ۱۳۸۴.
۲۲. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، باب فضائل علی، دارالجيل، بيروت، بی تا.
۲۳. نصر حامد ابوزید، الاتجاه العقلي في التفسير، المركز الثقافي العربي، بيروت، چاپ پنجم، ۲۰۰۳.
۲۴. نصر حامد ابوزید، الخطاب و التاويل، المركز الثقافي العربي، بيروت، چاپ دوم، ۲۰۰۵.
۲۵. يوسف بن عبد الرحمن حافظ مزی، اکمال تهذيب الکمال، فی اسماء الرجال، نشر الفاروق الحديثه للطباعه و النشر، قاهره، ۱۴۲۲ ق.
۲۶. محمد ابوزهره، تاريخ مذاهب اسلامي، مرکز مطالعات اديان مذاهب، قم چاپ اول، ۱۳۸۴.

#### مجلات

۲۷. جواد گلی و حسن یوسفیان، جریان شناسی نو معتزله، مجله معرفت کلامی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹.
۲۸. منصوره کریمی قهی، منازعات در بغداد (۲۳۲هـ-۶۵۶)، مجله تاریخ اسلام و ایران، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۲۶.
۲۹. علی محمدی، منازعات حنابله با شیعه امامیه در عصر سلجوقی، مجله تاریخ اسلام، بهار ۱۳۸۴، شماره ۲۱.
۳۰. رسول عربخانی، تشیع ایرانی و تسنن عثمانی (پژوهشی درباره منازعات شیعی-سنی در عتبات عالیات قرن ۱۹)، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۵.